

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه براساس تفاسیر ملاصدرا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

سارا طوسی‌ان خلیل آباد^۲

سعید بهشتی^۳

سید صدرالدین شریعتی^۴

ابولفضل غفاری^۵

DOI: 10.30497/esi.2024.245104.1672



چکیده

مقاله حاضر به تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه، براساس تفاسیر ملاصدرا، می‌پردازد. این پژوهش که با روش تحلیل محتوای قیاسی- استقرایی انجام شده است، برای تبیین چگونگی تربیت اخلاقی به تحلیل محتوای تفاسیر ملاصدرا پرداخته و اصول و روش‌های تربیت اخلاقی را واکاوی کرده است. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در دو دسته سلبی و ایجابی ناظر به دو مرحله اصلی تخلیه و تحلیله در تربیت اخلاقی متعالیه دسته‌بندی شده‌اند. براین اساس، در بخش سلبی، پنج اصل و هفت روش و در بخش ایجابی نیز هشت اصل و شش روش استخراج شده است. اصول بخش سلبی عبارتند از: تهذیب ظاهر، مراقبت از اعمال، تهذیب نفس، دوری از حب دنیا و مراقبت از خواطر ذهنی. اصول بخش ایجابی نیز عبارتند از: عقل‌ورزی، تفکر، مراقبت در مسیر کسب علم، تکرار، ایجاد ملکات نیکو، تعدیل قوای جسمانی و نفسانی، توجه به تفاوت و وسع‌ها و به‌گزینی در معاشرت. روش‌های سلبی عبارتند از: ریاضت، زهد، انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب، دوری از افراط و تفریط. روش‌های ایجابی نیز عبارتند از: اطاعت از شرع، عمل به مقتضای علم، برهان، تذکر، ایجاد عادات پسندیده و موقعیت‌مداری.

واژگان کلیدی: اصل و روش، تربیت اخلاقی، تفاسیر ملاصدرا، حکمت متعالیه.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «فلسفه تربیت اخلاقی متعالیه با تأکید بر آثار تفسیری صدرالمتألهین» دانشگاه علامه طباطبائی^(۱) است.

۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۲)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

saratusian@yahoo.com

beheshti@atu.ac.ir

shariati@atu.ac.ir

ghaffari@um.ac.ir

۳. استاد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۳)، تهران، ایران.

۴. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۴)، تهران، ایران.

۵. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

بیان مسئله

تربیت، مفهومی چندبعدی است که مشتمل بر ساحت‌های اعتقادی، دینی، اخلاقی، اجتماعی، حرفه‌ای و مانند این‌ها است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). اخلاق از مقولاتی است که از دیرباز تاکنون، مورد توجه بوده و در جامعه ما نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (آهنگری، ۱۳۸۶). باوجود چنین بار سنگینی که بر دوش نظام تربیتی قرار گرفته و انتظاراتی که از آن می‌رود، تحقیقات حاکی از ناکارآمدی نسبی تربیت رسمی در مواجهه با این مسئله است. نتایج تحلیل کتاب‌های درسی که نقش اساسی در انتقال مضامین اخلاقی برعهده دارند، نشان‌دهنده عدم پرداخت جدی و علمی به مقولات اخلاقی است. براساس پژوهش‌های انجام شده، مطالب موجود در این کتاب‌ها اغلب بدون توجه به رده سنی مخاطب بوده و در آن‌ها بیشتر از قالب‌هایی چون پند و اندرز استفاده شده است (پورموسوی، ۱۳۹۴؛ افکاری، ۱۳۹۳؛ بیرانوند، ۱۳۹۲؛ درامامی، ۱۳۹۰). حسنی و وجدانی (۱۳۹۵، ص ۱۵۴) با تحلیل محتوای کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌ای مدون برای ارائه ارزش‌های اخلاقی در کتاب‌های درسی وجود ندارد. همچنین بررسی کتب مطالعات اجتماعی بیانگر فقدان الگوی مفهومی برای تربیت اخلاقی در این کتاب‌هاست (حسنی و وجدانی، ۱۳۹۶، ص ۴۸). علاوه براین، رویکردی که در تربیت اخلاقی رسمی و عمومی کشور جریان دارد، بیشتر به نوعی اطلاع‌رسانی اخلاقی فروکاهش یافته است (حسنی، ۱۳۹۵) و در واقع نوعی شبه تربیت اخلاقی در عمل جریان دارد (حسنی، ۱۳۹۴). در مراکز علمی و عرصه عملی نیز نظریات و رویکردهای غربی، گوی سبقت را ربوده و مرجع استفاده همه قرار گرفته است. لطف‌آبادی (۱۳۸۴، ص ۷۶) در پژوهشی به بررسی آسیب‌های رایج نظریه‌های غربی رشد اخلاقی در کشور پرداخته است. او نشان داده است که استفاده از چنین نظریه‌هایی به دلیل عدم سازگاری با مبانی دینی و فرهنگی و نادیده گرفتن بنیان‌های عقلانی، روحانی و انگیزشی جامعه ما، آسیب‌های بسیاری به دنبال دارد. این در حالی است که آموزه‌های دینی قرآن حکیم و سیره اهل بیت^(ع) مشحون نکات اخلاقی است؛ علاوه براین، اندیشمندان بسیاری نیز با الهام از این آموزه‌ها به بحث و تأمل پرداخته و گنجینه ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. دراین میان، حکمت متعالیه صدرالمتألهین، نقطه عطفی در تاریخ فلسفه محسوب می‌شود. صدرا با تسلطی مثال‌زدنی بر نظریات پیش از خود و نیز با آگاهی از مبانی

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی .../ سارا طوسیان خلیل آباد و دیگران ۷

دینی و اسلامی، تلفیقی کم‌نظیر میان عقل و برهان و کشف و عرفان و نقل و قرآن ایجاد کرد و دعوی دیرین میان عقل و عشق و نقل را از بین برد (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

صدرا برای انسان سه قوه شهویه، غضبیه و علمیه برمی‌شمارد. او معتقد است که هر یک از این قوا نقطه اعتدال و افراط و تفریطی دارند. نقطه اعتدال در قوه شهویه، عفت و در غضبیه، شجاعت و در علمیه، حکمت است. از نظر صدرا، حُسن خُلق برآیندی از حد اعتدال قوای یادشده است. در این میان، عدالت که متشکل از سه قوه دیگر است، جایگاه والاتری داشته و نمایانگر صورت خُلقی فرد است. با وجود این، اخلاق نیکو در نگاه صدرا المتألهین غایت امر و مقصود نهایی نیست؛ بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن غایت حقیقی که همان اتصاف به معبود و حق تعالی است، حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، صص ۲۷۵-۲۸۶).

همچنین او نفس انسان را متشکل از سه مرتبه نباتی، حیوانی و انسانی (ناطقه) دانسته و برای نفس انسانی دو قوه علامه و عماله (عقل نظری و عملی) را برمی‌شمارد. از نظر صدرا، کار ویژه عقل نظری ارتباط با مجردات و مافوق و کار ویژه عقل عملی ارتباط با مادون و تسلط بر بدن است. اما عقل نظری جایگاه والاتری داشته و عقل عملی، با همه کارکردهایش، در خدمت او قرار می‌گیرد. او فضائل و رذائل اخلاقی را از طریق قوه عماله، قابل شکل‌گیری و مدیریت دانسته و معتقد است که عقل عملی با ایجاد تعادل میان قوای مختلف، می‌تواند اعتدال را در انسان ایجاد کرده و ملکات اخلاقی را به وجود آورد (دهقان سیمکانی، ۱۳۹۱).

ادراک و علم، از دیدگاه این فیلسوف، اصالت وجودی امری وجودی است. وی معتقد است: «وجود، منشأ تمامی خیرات، امری است که هر چیزی به او شوق دارد و او را طلب می‌کند و به واسطه او هر چیزی به کمال ممکن خویش نائل می‌آید» (به نقل از طوسی، ۱۳۹۲، ص ۹۷). بر این اساس، می‌توان از نوعی «اخلاق وجودی» در نگاه ملا صدرا سخن گفت که مبنای آن در مبانی فلسفی وی، نظیر اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، قابل جستجو است.

این نگاه ویژه، می‌تواند بن‌مایه مورد نیاز برای پی‌ریزی یک نظام اخلاقی اسلامی و تربیت اخلاقی مبتنی بر آن فراهم آورده و ما را در پی‌ریزی فلسفه تربیت اخلاقی که همسو با اندیشه‌های دینی و متناسب با فرهنگ جامعه باشد، یاری رساند. اسلامی و ایرانی بودن نظریه، از آن‌رو، مورد تأکید است که امروزه یکی از نیازهای جدی جامعه، به‌ویژه در علوم انسانی،

توجه به اندیشه‌هایی است که از یک سو با مبانی اعتقادی و دینی جامعه سازگار بوده و از سوی دیگر با فرهنگ بومی و ایرانی عجین باشد. حکمت متعالیه یکی از بهترین مصادیقی است که می‌تواند هر دو دغدغه را تأمین نماید.

در این پژوهش، تلاش شده است تا با استفاده از تفاسیر ملاصدرا به استخراج اصول و روش‌های تربیت اخلاقی پرداخته شود؛ بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: تربیت اخلاقی مبتنی بر مبانی فلسفی ملاصدرا چگونه محقق می‌شود؟ تلاش خواهد شد تا از خلال پرداختن به اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه، براساس تفاسیر ملاصدرا، به این پرسش پاسخ داده شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تحلیلی استنباطی است. برای این منظور در بخش تحلیلی از تحلیل محتوای کیفی قیاسی-استقرایی استفاده شده است. در یک تعریف ساده، تحلیل محتوا را می‌توان بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز از دل متن مورد نظر نامید (تبریزی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). مهمترین گام در تحلیل محتوا، کدگذاری است. به‌طور کلی، فرآیند کدگذاری در تحلیل محتوای کیفی، بسته به مسئله یا اهداف پژوهش، می‌تواند به صورت قیاسی یا استقرایی صورت پذیرد. در رویکرد قیاسی، با توجه به نظریه خاصی، شروع می‌کنیم و ضرورت‌های آن نظریه را که به صورت فرضیه مطرح می‌شود، در نظر داریم؛ درحالی که در رویکرد استقرایی، پژوهشگر بدون سوگیری و توجه به نظریه شروع به خواندن متن و سپس تحلیل آن می‌کند که در بهترین حالت (نظریه داده‌بنیاد) می‌تواند منجر به نظریه شود (مؤمنی راد، علی آبادی، فردانش و مزینی ۱۳۹۲، ص ۲۰۶).

براین اساس، در این پژوهش، ابتدا تعاریفی از مبنا، اصل و روش متناسب با پرسش‌های پژوهش ملاک قرار داده شده و مبنای کار تحلیل محتوای قیاسی قرار گرفت. پس از تعیین مقولات و ایجاد سازه مفهومی مورد نظر، براساس تعاریف گفته شده، محقق به

۱. اصول و روش‌های به دست آمده در پژوهش حاضر، مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی و اخلاق‌شناختی است که ابتدا از تفاسیر ملاصدرا استخراج شده و براساس آن اصول و روش‌ها به دست آمده‌اند. اما به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، از آوردن مبانی به صورت مجزا، خودداری شده و به‌طور ضمنی، در توضیحات هراصل و روش تلاش می‌شود تا به آن اشاره شود.

جستجوی مصادیقی برای آنها در متن تفاسیر ملاصدرا پرداخته و کوشیده است تا تفاسیر را با عینک مقولات یادشده واکاوی نماید.

در بخش دوم و گام بعد، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، به تحلیل تفاسیر ملاصدرا پرداخته و کوشیده است تا این بار با نگاهی استقرایی به واکاوی مبانی فلسفی اخلاق و تربیت اخلاقی، از نگاه ملاصدرا، بپردازد و این مفاهیم را تحلیل نموده و در نهایت به استنباط مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه بپردازد.

یافته‌های پژوهش

ملاصدرا برای نفس انسانی، دو قوه عقل نظری و عملی را به‌طور خاص، در نظر گرفته و برای هرکدام مراحل را نام می‌برد. عقل عملی انسان مدیریت قوای بدنی و ارتباط با مادیات را برعهده داشته و از نگاه صدرا اخلاق با این بعد از وجود انسان بیشتر در ارتباط است. او برای عقل عملی مراحل در نظر می‌گیرد که براساس آن می‌توان برای تربیت اخلاقی متعالیه دو بعد اصلی سلبی و ایجابی در نظر گرفت.^۱ بعد سلبی ناظر به دو مرحله اول و تهذیب ظاهر و باطن است که تخلیه و پیراستن در دو بعد ظاهری و باطنی در آن مورد توجه است. بعد ایجابی نیز ناظر بر دو مرحله پایانی و آراستن به فضائل اخلاقی و صور علمی است که تخلیه و آراستن دو مفهوم کلیدی آن است. براین اساس، اصول تربیت اخلاقی متعالیه ذیل دو بخش کلی سلبی و ایجابی تدوین شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

اصول تربیت اخلاقی متعالیه

منظور از اصول، مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشائی یا بایدمحور هستند که در این پژوهش، براساس متون تفسیری ملاصدرا^۲، استخراج شده‌اند (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). در ادامه، چنان‌که گفته شد، اصول تربیت اخلاقی متعالیه، ذیل دو بخش کلی سلبی و ایجابی مورد بحث قرار خواهند گرفت:

۱. توضیح این مراحل به‌طور مجزا در مقاله دیگری، تحت عنوان تربیت اخلاقی متعالیه، از عمل اخلاقی تا شهود عرفانی، نویسندگان آورده‌اند که در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی در نوبت چاپ است.
۲. در پژوهش‌های فلسفه تربیت اسلامی، این اصول معمولاً با توجه به متون اسلامی نظیر قرآن و آیات آن یا روایات و سیره معصومین^(ع) استخراج می‌شود و یا فلسفه اسلامی و آثار فیلسوفان مسلمان منبای اصول تربیتی قرار می‌گیرد که در پژوهش حاضر، حالت دوم رخ داده است.

۱- اصول سلبی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحله تخلیه و پیراستن

۱-۱- تهذیب ظاهر

از نگاه صدرا، ظاهر اهمیت داشته و مراتب اولیه سلوک و حرکت انسان بدون در نظر گرفتن ظواهر و توجه به آن میسر نخواهد بود. منظور از ظاهر، آن اموری است که به بعد شهادتی و ظاهری انسان مربوط می‌شود؛ چراکه از نگاه صدرا، انسان دارای دو بعد ملکوتی و شهادتی است. منظور از بعد ملکوتی جنبه برتر وجود او و جهت الهی و ماوراء دنیایی آن است و منظور از بعد شهادتی نیز جهتی از انسان است که مربوط به عالم دنیا و ظواهر است. او معتقد است که این دو بعد در هم آمیخته و نمی‌توان هیچ‌یک را نادیده گرفت؛ بنابراین، ابعاد ظاهری اگرچه اثرگذاری کمتری دارند، اما حائز اهمیت بوده و شرع نیز به آنها توجه کرده است؛ به همین دلیل است که بسیاری از تکالیف شرعی با انجام اعمال ظاهری همراه بوده و بر آن تأکید می‌شود.

هدف از پرداختن به ظواهر و تهذیب آن از طریق اعمال نیکو نیز معرفت به افعال خداوند و حرکت در مسیر تحقق علوم مکاشفه و دستیابی به معارف ایمانی است؛ چنانچه صدرا به آن تصریح می‌کند: «بالاترین علوم مکاشفه، معارف ایمانی بوده و بزرگ آن معرفت خداوند و سپس معرفت صفات و اسماء اوست. سپس معرفت افعال اوست که غایتی است که به خاطر آن تهذیب ظواهر با اعمال صورت می‌گیرد» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۵۰). براین اساس، عبادات و تکالیف شرعی در مرتبه اول، مشمول اصل حاضر شده و حتی با وجود قلت توجه و حضور قلب، حداقل تأثیر را بر وجود انسان بر جای می‌گذارند؛ بنابراین در مقام اولین گام در مسیر تخلیق به اخلاق الهی و تشبه به خداوند مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۲- مراقبت از اعمال

یکی از مهمترین اهداف در تربیت اخلاقی، تخلیق به اخلاق الهی و شبیه شدن به خداوند است. تکرار اعمال سبب ایجاد ملکات اخلاقی و آسان شدن صدور فعل نیک گشته و در نهایت تعیین‌کننده سرنوشت و جایگاه انسان در آخرت است. این اصل با اصل تهذیب ظاهر که پیشتر اشاره شد و نیز اصل تهذیب باطن که در ادامه به آن اشاره می‌شود، تفاوت دارد. یکی از وجوه تفاوت این اصل با دو اصل مذکور، تلاش برای تشبه به خداوند در افعال است که در این اصل مورد تأکید است. از نگاه صدرا، پاداش اخروی نتیجه اعمال و شنیدن کلام حق است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰۱). ملاصدرا دامنه اعمال را گسترده دانسته و

آن را از اعمال ذهنی تا اعمال ترک‌کردنی تعریف کرده و بسط داده و عامل دستیابی به مراتب عقل معرفی می‌کند؛ بنابراین، نقش اعمال در تعیین جایگاه وجودی انسان، هویت و سرنوشت او بسیار بوده و باینکه جایگاهی ابزاری و واسطه‌ای دارد، نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و به آسانی از کنارش عبور کرد.

۱-۳- تهذیب نفس

ملاصدرا تهذیب نفس را اصلی‌ترین پیام دین معرفی کرده و با تأکید بر اهمیت تزکیه نفس، تخلیق به اخلاق روحانی و الهی را راهی برای برون‌رفت از ظلمات اوصاف نفسانی و پیروزی بر آن برمی‌شمارد: «این تزکیه از طریق پنهان کردن ظلمات اوصاف حیوانی در پیدایش اخلاق روحانی و آراستگی به این اخلاق اتفاق می‌افتد تا زمانی که نور روح بر ظلمت نفس غلبه کرده و پیروز شود و آن را در عدم خفا پنهان کند» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۶۸).

او تقوا را پرهیز و پاک‌کننده قلوب از امراض درونی دانسته و آن را مقدمه به دست آوردن افعال نیکو و ایمان و طاعت معرفی می‌کند؛ بنابراین، تهذیب نفس، تقوا و زدودن رذائل اخلاقی یکی از مهمترین اصول در تربیت اخلاقی متعالیه محسوب شده و همان‌طور که اشاره شد، ملاصدرا با عبارات و شکل‌های گوناگون به آن تصریح می‌کند.

۱-۴- دوری از حب دنیا

از نگاه صدرا، شرط دستیابی به علوم حقیقی و تابش نور ایمان بر وجود انسان نیز دوری از حب دنیا و شهوات نفسانی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های مورد اشاره حب دنیا و پیروی از شهوات است:

از جهت عمل، مثل علمای غیرحقیقی مثل مریض است؛ زمانی که نسخه دارو را گرفته و به تکرار آن و تعلیم آن می‌پردازد. مانند کسی که بواسیر یا برسام گرفته و روبه‌مرگ است و نیاز به دارو دارد و مشغول تعلیم داروی استحاضه است و شب و روز آن را تکرار می‌کند؛ باینکه می‌داند نه حیض است و نه استحاضه، اما می‌گوید شاید زنی دچار استحاضه شود و از من سؤال کند و این نهایت غرور است. این چنین است حال فقیه بیچاره‌ای که بر او حب دنیا و پیروی از شهوات غلبه کرده و حسد و کبر و ریا و سایر مهلکات باطنی بر او غلبه کرده است و چه‌بسا قبل از توبه و جبران، مرگ او فرا برسد و خدا را درحالی که از او غضبناک است ملاقات کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۴۰).

چنانچه گفته شد، یاد دنیا و آمال و آرزوهای آن و شهوات نفسانی، زمینه را برای بروز وسوسه شیطان و غلبه آن بر قلب انسان فراهم می‌آورد: «بنابراین، هرگاه یاد دنیا و برآیندهای آرزو و لذت‌های شهوات بر نفس آدمی چیره باشند، شیطانی که در پوشش نفس پنهان شده، فرصتی می‌یابد و به وسوسه او می‌پردازد...» (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۸).

۱-۵- مراقبت از خواطر ذهنی

ملاصدرا مبادی صدور افعال ارادی را تصور، تصدیق، شوق، عزم و تحریک قوای جسمانی دانسته و پس از آن، به تعریف خواطر می‌پردازد و معتقد است که درحقیقت این خواطر هستند که بروز افعال را سبب می‌شوند. درواقع، خواطر اندیشه‌ها و یادآوری‌هایی هستند که وارد ذهن انسان شده و آغازکننده افعال او است. این خواطر یا دعوت به خیر می‌کنند و یا دعوت به شر؛ در ادبیات دینی، خاطر دعوت‌کننده به خیر را الهام و خاطر دعوت‌کننده به شر را وسوسه می‌نامند.

قلب انسان آمادگی پذیرش هردو حالت را داشته و براساس غلبه شهوات و اوهام یا براهین و معارف یقینی و تشبه به حق، به سمت یکی از این دو متمایل می‌گردد. ملاصدرا معتقد است که اگر انسان مغلوب هوی و هوس و قوای شهوانی خود باشد و وجودش در خدمت آنها باشد، قلب محلی برای حضور شیطان و لشگریانش خواهد شد. اما اگر با شهوات مبارزه کند و از طریق برهان و علم، اوهام دروغین را از خود دور کند، دراین صورت، با اخلاق فرشتگان تشبه جسته و با کسب علوم یقینی و دوری از دنیا و زهد، قلبش محل رفت و آمد ملائکه و منزلگاه ایشان خواهد شد (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۶ و ۳۰۷)؛ بنابراین انسان می‌تواند با مراقبت از نفس و مبارزه با شهوات و دوری از دنیا و کسب علم و معرفت نیز از وسوسه‌ها و خواطر شر دوری کرده و امکان بروز خواطر نیکو و الهام فرشتگان را افزایش دهد.

۲- اصول ایجابی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحل؛ تحلیله و آراستن

۲-۱- عقل‌ورزی

عقل نزد ملاصدرا جایگاه ویژه‌ای داشته و اساساً از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات، داشتن مراتب مختلف عقل است. او برای انسان قوای مختلف شهویه، غضبیه، وهمیه و عقل را برشمرده و هرکدام را به موجودی تشبیه می‌کند و در توصیف کارکرد آنها، تعقل را به معنای تجرید حقائق از زوائد و تنقیح مقاصد از اضافات و حشویات و جدا کردن ذاتی از

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسی‌ان خلیل آباد و دیگران ۱۳

عرضی در هر بابی دانسته و معتقد است که معنای مصطلح تعقل، تجرید و توحید است و با کثرت فعل تجرید و توحید، انسان به مرتبه تجرد از خلایق و توحید از حجاب‌های بدنی رسیده تا جایی که منزّه بودن و توحید خداوند را شناختند و مشاهده کردند و او را آن‌طور که شایسته است ستایش کردند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۹۹).

از رؤسای لشگریان عقل، شهوت و غضب است... عقل در ورای این دو لشگر، یک لشگر الهی نیز دارد و آن علم و حکمت است و حق این است که عقل از این دو لشگر که از حزب الهی هستند، علیه دو لشگر دیگر که به حزب شیطان (یعنی وهم) می‌پیوندند، یاری بگیرد؛ زیرا هرکس از یاری جستن از لشگر الهی کوتاهی کند، بدون شک، شهوت و غضب را بر خود چیره ساخته و به یقین هلاک گردیده و زبانی آشکار نموده است (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۳ و ۳۰۴)؛ بنابراین حاکمیت عقل بر سایر قوا و مدیریت اعمال و افعال و بدن، براساس فرمان و کنترل عقل، می‌تواند انسان را در موقعیت‌های مختلف راهنمایی کرده و با نور بصیرت به سوی خیر رهنمون سازد.

۲-۲- تفکر

ملاصدرا تفکر را یکی از ویژگی‌های عالم حقیقی دانسته و آن را در کنار ویژگی‌هایی مانند تلاش برای کسب علم باطن و مراقبه و مجاهده معرفی می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۳۱).

از نگاه صدر، تأمل در اسرار معرفت-الله و آیات الهی و تفکر در امر آخرت یکی از راه‌های خروج از ظلمات جهل و نقصان و وارد شدن به نور معرفت و کمال است:

همان‌طور که انسان با تأمل در اسرار معرفت‌الله و شنیدن آیات ملکوتش و تفکر در امر آخرت، از ظلمات جهل و نقصان به نور معرفت و کمال خارج می‌شود، همان‌طور نیز با ارتکاب شهوات دنیا و متابعت هوی و شیطان، از نور ادراکات حسی به ظلمات کوری و محرومیت از لذات دنیا خارج می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۸۵).

بنابراین یکی از اصولی که در تربیت اخلاقی باید به آن توجه کرد، اصل تفکر است. تفکر در اسرار و آیات الهی، آغاز و انجام انسان، آخرت و حضور نزد حق یکی از مهمترین راه‌هایی است که می‌تواند انسان را به علم حقیقی و شهود حق رهنمون سازد و باید در مسیر تربیت اخلاقی به آن توجه شود.

۲-۳- مراقبت در مسیر کسب علم

ملاصدرا پرداختن به نفس و تهذیب اخلاق را به‌ویژه برای عالمان دینی، امری ضروری دانسته و معتقد است که عدم مراقبت در مسیر کسب علم، آفات بسیاری داشته و خود حجابی بزرگ در مسیر کسب معارف حقیقی است. او بر خطری که کسب دانش‌های رسمی برای نفس انسان و ایجاد غرور در او ممکن است به همراه داشته باشد، هشدار داده و می‌گوید:

[دراین‌میان، آنچه از همه خطرناک‌تر است]؛ به‌ویژه همین دانش‌های رسمی و فنون مشهور است که حجابش ستبرتر و کنار زدندش دشوارتر و تباهی‌اش بیشتر و تأثیرش در خودشیفتگی انسان و فریب خوردنش از حال خود بیشتر است. این حالتی است که برای غالب شباهت‌جویان به دانش‌وران راستین روی می‌دهد (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۳).

باتوجه به اینکه تربیت اخلاقی از مرحله عمل آغاز شده، اما افق آن دستیابی به معارف کلی عقلی و رسیدن به علم حقیقی است، بنابراین می‌توان گفت که مراقبت در این مسیر برای دچار نشدن به آفاتی چون غرور، شهرت و تفاخر امری ضروری است.

۲-۴- تکرار

صدرا معتقد است که انسان‌ها برحسب فطرت نخستین خود، نوع واحدی هستند و تمایزی با هم ندارند. آنچه موجب تفاوت آنها می‌شود، ملکات و اخلاقی است که در اثر تکرار اعمال در هر فرد ایجاد شده و متناسب با آن صورتی در آخرت برای آن فرد خواهد کرد. او ملکه را نیز بر همین اساس، تعریف کرده و می‌گوید: «پابرجا شدن (رسوخ) هیئت‌ها و شدت یافتن صفات در اثر تکرار کارهای خوب و بد، نزد حکیمان، ملکه نامیده می‌شود و در زبان اهل شریعت و عرفان به فرشته و شیطان موسوم است» (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

از نگاه او، تکرار یک عمل خاص رد پای آن عمل را در قلب مستحکم کرده و در جان انسان ملکه‌ای متناسب با آن عمل ایجاد می‌کند که در نتیجه آن، عمل مزبور به‌آسانی از نفس سر می‌زند. همچنین در اثر این تکرار است که حقیقت ملکه حاصله به‌شکلی متناسب در آخرت، نمود یافته و صورتی از عذاب یا پاداش را جلوه‌گر خواهد ساخت.

بنابر آنچه به آن اشاره شد، مکانیسم ایجاد ملکات اخلاقی به‌گونه‌ای است که تنها تکرار و ممارست بر انجام اعمال، منجر به ایجاد اخلاق مطلوب خواهد شد؛ بنابراین برای دستیابی به صفات مطلوب اخلاقی و تحقق غایات مورد نظر در تربیت اخلاقی، باید متربی به انجام

اعمال متناسب با آن اهداف مبادرت ورزیده و با تکرار آن به سوی شکل‌گیری ملکات مناسب اخلاقی حرکت کند.

۲-۵- ایجاد ملکات نیکو

پس از آنکه در بخش پیشین به اصول ناظر بر تخلیه اشاره شد، در این بخش در ادامه اصول ایجابی و درپی آراستن فرد به فضایل اخلاقی، به لزوم شکل‌گیری ملکات نیکو در نفس تأکید می‌شود. نفس از رذائل اخلاقی تخلیه شد و آمادگی لازم را کسب کرد؛ مرحله بعد، آراستن آن به وسیله فضائل اخلاقی است؛ امری که یکی از اهداف ارسال پیامبر^(ص) بوده و از اهداف دین محسوب می‌شود:

خداوند پیامبر^(ص) را با صفت رحمت و لطف مبعوث کرد تا نفوس را از ظلمت صفات و اخلاق سوء تزکیه کرده و به نور ارواح آراسته کند تا مستحق نزدیکی به حق و ملکوت و قرب او در زمره ارواح مطهره شود. این تزکیه از طریق پنهان کردن ظلمات اوصاف حیوانی در پیدایش اخلاق روحانی و آراستگی به این اخلاق اتفاق می‌افتد تا زمانی که نور روح بر ظلمت نفس غلبه کرده و پیروز شود و آن را در عدم خفا پنهان کند. این مقام اولیاء الهی است: آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌کند^۱ (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، صص ۲۶۸ و ۲۶۹).

به عبارت دیگر، در این اصل به آراستن نفس با ملکات اخلاقی تأکید شده و توجه به ملکات و تلاش برای ایجاد ملکات نیکو، یکی از اصول ایجابی تربیت اخلاقی متعالیه است که در مرحله ایجاد آرایش اخلاقی مناسب می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

۲-۶- تعدیل قوای جسمانی و نفسانی

ملاصدرا ضمن در نظر گرفتن قوای شهویه، غضبیه و وهمیه برای نفس انسان، معتقد است که انسان در استفاده از این قوا، نه باید دچار افراط گردد و نه مسیر تفریط را در پیش گیرد. همچنین عفت، شجاعت، حکمت و عدالت را رئوس فضائل عملی دانسته و اطراف هشتگانه آنها را که در اثر افراط و تفریط ایجاد می‌شود، از رذائل اخلاقی معرفی می‌کند و بنا بر آن به تعریف حسن خلق می‌پردازد.

وی در معنای عدالت و میانه‌روی، امر را منحصر بر اخلاق ندانسته و معتقد است که این اعتدال به لحاظ جسمانی نیز باید مطرح شود. به عبارت دیگر، منظور از اعتدال مورد تأکید

۱. يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (بقره، ۲۵۷).

صدرا، هم اعتدال در مزاج و سلامت جسمانی و هم اعتدال در اخلاق و رسیدن به حسن خلق است:

اشاره به این نکته که به لحاظ جسمانی انسان در حالت اعتدال قرار داشته و مزاج معتدل انسانی برترین مزاج‌ها است و همچنین میزان به بحث اخلاق هم اشاره داشته و منظور از آن، هم اعتدال مزاج در جسم و هم عدالت در اخلاق نفسانی است، زیرا قرآن بطون و معانی مختلفی دارد، بلکه این وجه با تعبیر جسمانی هماهنگ است، زیرا عوالم با هم مطابقت داشته و نشأت با هم تناظر دارند؛ بنابراین اعتدال در مزاج باعث می‌شود که صورت انسانی بر مبنای عدل در صفات معنوی و اصول اخلاقی باشد (که اینها در واقع به منزله صورت‌هایی برای کیفیات جسمانی هستند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۸۹).

بنابراین، اهمیت رعایت اعتدال، هم در جنبه‌های جسمانی و هم در جنبه‌های روحانی، مورد تأکید ملاحظه شده و برای پیمودن مراتب کمال و سعادت، ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس در تربیت اخلاقی نیز یکی از اصول مهم در راستای دستیابی به حسن خلق و اهداف غایی، نظیر تخلیق به اخلاق الهی، دوری از افراط و تفریط، در استفاده از قوای نفسانی و دستیابی به اعتدال و حد وسط است.

۲-۲- توجه به تفاوت وسع‌ها

ملاحظه می‌شود که انسان‌ها براساس تفاوت در ادراکات و اراده‌ها و شوق‌ها و تفاوت‌هایی که در بهره‌برداری عقلی دارند، با یکدیگر متفاوت بوده و همین امر نیز اسباب تفاوت آنها در عاقبت و سعادت و شقاوت آنها می‌شود. او دلیل این تفاوت‌ها را شرح می‌دهد:

دلیل این تفاوت در تفاوت آنها در صفا و کدورت و قوت و ضعف و شرافت و خست است و به حسب برتری از اسباب بدنی و احوال دنیوی، از جمله استعدادهای مادی و عوارض اتفاقی و سلسله‌واری که منتهی به امور علوی و قضای سابق بدنی می‌شود... پس دانستی که تفاوت نفوس بشری در تفاوت اصول و معادن عقلی و کلیدهای درهای الهی است و به دلیل تفاوت آنها در ادراکات و اراده‌ها و شوق‌ها، میان آنها در هدایت و گمراهی و طاعت و گناه و توفیق و خذلان و سعادت و شقاوت و حسن عاقبت و سوء عاقبت و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم، اختلاف پیش می‌آید (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۱۸).

بنابراین، توجه به تفاوت‌های فردی و تفاوت وسع انسان‌ها با یکدیگر در تربیت اخلاقی نیز تأثیر بسزایی داشته و مربی باید به ظرفیت متربی نظر داشته باشد و متناسب با ظرفیت او اعمال و افعال را انتظار داشته باشد.

۲-۸- به‌گزینی در معاشرت

همان‌طور که در مبانی گفته شد، نفس انسان می‌تواند در اثر هم‌نشینی و مجاورت با امور مختلف، صفاتی شبیه به آنها را به خود بگیرد:

هر جوهری قوه و استعدادی برای به دست آوردن اشیاء مختلف دارد، و برحسب کثرت انفعالات حاصل از نوع خاصی از صفت، صورت جوهری که مبدأ آن صفت است، در او به وجود می‌آید؛ همان‌طور که کثرت مجاورت آتش برای هیزم حالت سوزندگی را به وجود می‌آورد و نیز مجاورت با زمین باعث می‌شود که شیء ویژگی خاک را بروز دهد، شکی نمی‌ماند که وقتی امری مجاور و شبیه شده و دارای استعدادی باشد و در کنار امری که می‌تواند شبیه آن شود، قرار گیرد، از آن به آسانی اثر می‌پذیرد؛ چنانچه تأثیر هیزم خشک از آتش در مجاورت با آن (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۹۸).

براساس این اصل، در فرآیند تربیت اخلاقی، لزوم انتخاب هم‌نشین و همراه مناسب اهمیت یافته و هم‌مربی و هم‌متربی باید نسبت به آن دقت نمایند. مربی باید در فرآیند تربیت اخلاقی، شرایط را برای تشکیل جمع‌های اخلاقی مثبت و قرار گرفتن افراد با ویژگی‌های مثبت اخلاقی در کنار یکدیگر فراهم نماید. متربی نیز باید همواره بر انتخاب هم‌نشین و همراه مناسب در سلوک خود توجه نموده و با مجالست مناسب، حرکت خود را تسهیل نماید.

روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه

روش تربیتی گزاره‌ای، تجویزی است که راه رسیدن به یک هدف تربیتی را به ما نشان داده (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳) و نسبت به اصل تربیتی، جزئی‌تر و به عمل نزدیک‌تر است. در بخش بعد، به روش‌های تربیتی در دو عنوان پرداخته شده است:

۳- روش‌های سلبی در تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به مرحله تخلیه و پیراستن

در این بخش نیز روش‌ها تحت دو عنوان کلی سلبی و ایجابی مورد بحث واقع خواهند شد؛ در بخش روش‌های سلبی، هفت روش به دست آمده است که عبارتند از: ریاضت، زهد،

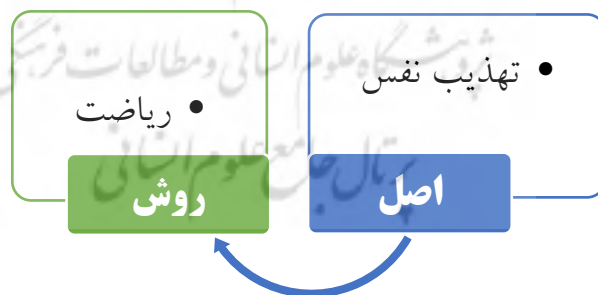
انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب و دوری از افراط و تفریط. در ادامه به توضیح این روش‌ها پرداخته شده است:

۳-۱- ریاضت

ملاصدرا پیروی از شهوات حیوانی و لذات نفسانی را عامل ایجاد بسیاری از اخلاق ناپسند دانسته و معتقد است که ترک شهوات از طریق مجاهده و ریاضت، عامل مهمی در دوری از این اخلاق و کسب مکارم اخلاق و طهارت قلب محسوب می‌شود؛ همچنین در توصیف ویژگی افرادی که می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند، بر روی ریاضت تأکید کرده و می‌گوید، کسی که فقط به دنبال مقام و ثروت است، باید این کار را ترک کرده و با هوای نفسش مخالفت کند تا جایی که به نفسش ریاضت بدهد و دین و یقینش را قوی کرده و از فتنه نفسش در امان باشد؛ در این صورت، می‌تواند با قضاوت یا تدریس، مردم را موعظه کند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۶۴).

ملاصدرا گاهی از اعمال دینی و عبادات نیز با عنوان ریاضت یاد کرده و آنها را از آن جهت که در جهت رهایی از محسوسات و بالفعل ساختن عقل یاری می‌نمایند، مورد تأکید قرار داده است؛ بنابراین مجاهده و ریاضت در راه زدودن رذائل اخلاقی و مبارزه با نفس و دوری از شهوات و لذات دنیایی، یکی از روش‌هایی است که مورد توجه ملاصدرا در تفاسیر بوده و می‌تواند زمینه تحقق اهداف تربیت اخلاقی متعالیه را فراهم سازد.

روش مذکور با اصل دوری از حب دنیا در ارتباط بوده و می‌تواند راهی برای تحقق آن در نظر گرفته شود:



شکل ۱. ارتباط اصل تهذیب نفس با روش ریاضت

۳-۲- زهد

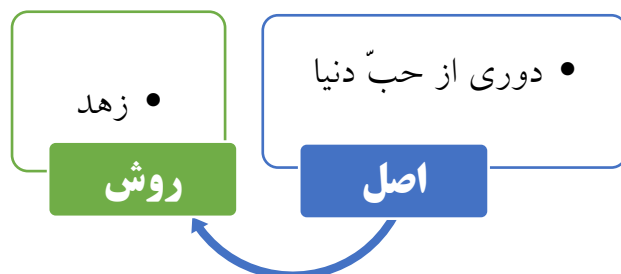
ملاصدرا ضمن معرفی معرفت که اصل هر سعادت است، زهد و تقوا و عبادات و ریاضات را وسیله تصفیه باطن و مقدمه کسب معرفت و حکمت معرفی کرده و این نکته را مجدداً مورد توجه قرار می‌دهد که تصفیه و صیقل دادن قلب اصالتاً مورد تأکید نبوده، بلکه آنچه موجب ظهور آیات حق می‌شود، زهد در این دنیا است. سپس در ادامه به بررسی مراتب زهد پرداخته و برای آن سه مرتبه ذکر می‌کند؛ زهد در دنیا، زهد در آخرت، زهد از زهد و به‌طور کلی، روی آوردن به سوی خدا. مرتبه اول سبب رهایی نفس، مرتبه دوم سبب رهایی قلب و مرتبه نهایی سبب رهایی روح انسان می‌شود؛ همچنین ترک دنیا و زهد پیشه کردن را یکی از عوامل مؤثر در طهارت قلب و تبدیل شدن آن به قرارگاهی برای نزول و تردد فرشتگان دانسته و این‌گونه توضیح می‌دهد:

اگر با شهوت‌ها به مبارزه برخیزد و نگذارد آنها بر او چیره شوند و تسلیم آنها نگردد، بلکه به یاری برهان یقینی (که دلالت بر وجود جهانی دیگر می‌کند که پایدار و در نقطه مقابل این جهان فرساینده و فانی است) به معارضه با شهوات اقدام نماید و گمان‌ها و اوهام دروغین را (که خواهان شهوت‌ها و تکیه زدن بر دنیا و اعتماد به لذت‌های آن و میل به جاودانگی در زمین و قناعت ورزیدن به این جهان ناقص و رو به زوال می‌باشند) از خود براند و با اخلاق فرشتگان همانندی جسته، به اندوختن معارف الهی و یادآوری معلومات یقینی همت ورزد و با نیروی ایمان به اجرای سنت انبیا و اولیا^(ع) پرداخته، به ترک دنیا و زهد پیشه کردن در آن روی آورد؛ در این صورت است که قلب او قرارگاه فرشتگان و منزلگاه ایشان گردیده، هرروز برای دیدار او فرود می‌آیند... (شیرازی، ۱۳۹۶، صص ۳۰۶-۳۰۸).

این روش نیز می‌تواند به تحقق اصل دوری از حب دنیا کمک کند و در ارتباط با

آن مطرح شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲. ارتباط اصل دوری از حبّ دنیا با روش زهد

۳-۳- انفاق

به دلیل اهمیت و نقشی که مال در تقویت حبّ دنیا و شهوات نفسانی دارد، یکی از مهمترین راه‌های مبارزه با این دو، دوری از مال و بخل ورزیدن و جمع کردن آن است؛ بنابراین، انفاق مال یکی از مهمترین روش‌های مبارزه با حبّ دنیا و غلبه شهوات نفسانی بوده و ملاصدرا بر آن تأکید بسیار دارد. او بخشش مال و انفاق را به خونی تشبیه می‌کند که هنگام حجامت از بدن خارج شده و سبب دوری بیماری از انسان است؛ به همین ترتیب، بخشش مال نیز سبب دوری بیماری‌های درونی نفس است:

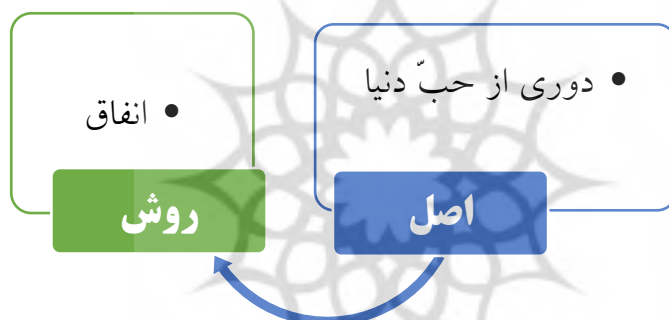
اینها متوجه نشدند که آن درمانده‌ای که مالی از تو می‌گیرد [که همان مال سرانجام نابودکننده تو است] با این ستاندن، خود بیماری بخل را که نابودکننده تو است، از تو دور می‌کند و دوستی دنیا را که مبدأ هرگناه است و علاقه به دنیا را که اساس هرکار ناپسند است، از دل تو بیرون می‌کند؛ آن‌چنان‌که شخص حجامت‌کننده با خونی که از تو می‌گیرد، بیماری نابودکننده را از درون تو می‌زداید... صدقات و بخشش‌های مالی و خوراکی نسبت به درماندگان نیز به همین شکل پاک‌کننده باطن -ها و تصفیه‌کننده قلب‌ها از ملکات خبیث و از بیماری‌های ناشی از صفات هلاک-کننده هستند (شیرازی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸).

از نظر صدرالمتألهین، انفاق مال که ممکن است کنایه از زهد باشد، برترین اعمال است و یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن را نیز انفاق در راه خدا دانسته و می‌گوید: «ویژگی دیگر آنها انفاق از آنچه روزی آنها شده است، به این معنا که با دادن زکات از مال‌شان و تعلیم

معارف و حقایق به افراد دارای استعداد این کار را انجام می‌دهند» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۰۲).

باتوجه به موارد گفته شده و تأکید بسیار ملاحظه بر اهمیت انفاق و بخشش‌های مالی، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مؤثر در تربیت اخلاقی که دوری از رئوس ذمائم اخلاقی اثرگذار نظیر حبّ دنیا است، گذشتن از مال و بخشش آن است؛ بنابراین در تربیت اخلاقی متعالیه این روش می‌تواند راهگشا بوده و با زدودن موانع اخلاقی، راه را برای کسب فضائل و ملکات اخلاقی مثبت هموار سازد.

روش‌های زهد و انفاق، دو روش مهم هستند که ناظر بر اصل دوری از دنیا قرار می‌گیرند، زیرا تأکید هر دو بر دوری از حبّ دنیا و ارائه راه‌هایی برای دوری از آن و رهایی از آسیب‌های مترتب بر آن است:



شکل ۳. ارتباط اصل دوری از حبّ دنیا با روش انفاق

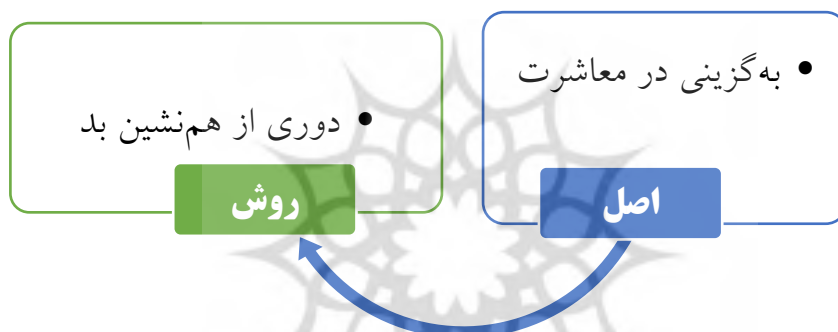
۳-۴- دوری از هم‌نشینی بد

نفس انسان استعداد پذیرش ویژگی‌های گوناگون در اثر هم‌نشینی با امور مختلف را دارا است؛ بر همین اساس در تربیت اخلاقی نیز یکی از راه‌های دستیابی به اهداف تربیت اخلاقی و رهایی از محسوسات مادی، دوری از هم‌نشینی بد است. او دوری از هم‌نشینی با چند گروه را مورد تأکید قرار داده و می‌گوید:

لذا برای کسی که می‌خواهد سالک راه اهل حق و یقین باشد، لازم است که بعد از تطهیر نفسش از رذائل اخلاق، اولاً از هم‌نشینی با معطلین گمراه دوری کند، زیرا آنها بر قلب‌ها و گوش‌ها و چشم‌های‌شان قفل زده شده و نمی‌فهمند. ثانیاً دوری از

مبتدعین گمراه، زیرا آنها نیز وقتی پیامبر با دلایل آشکار مبعوث شد، به علمی که خودشان داشتند خوشحال بودند و استهزاء می‌کردند. این دو گروه اولیای شیطان و اهل طاغوت هستند و از اینها به خدا پناه می‌بریم؛ چنانچه از شیطان به خدا پناه می‌بریم و آثار آنها را با نور فطرت قلب سلیم دفع می‌کنیم و... (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲).

بنابراین، باتوجه به تأثیری که مجاورت و هم‌نشینی در انسان می‌گذارد، باید در تربیت اخلاقی بر انتخاب نوع هم‌نشین و تعامل با گروه‌ها و افراد مختلف توجه داشته و در کمترین حالت از هم‌نشین بد دوری کرده و در حالت مطلوب نیز تلاش نمود تا با دقت در انتخاب هم‌نشین از یک‌سو و از سوی دیگر، مجالست و انس با افعال نیکو و روحانی، به سوی تشبه بیشتر به خداوند حرکت نماید:



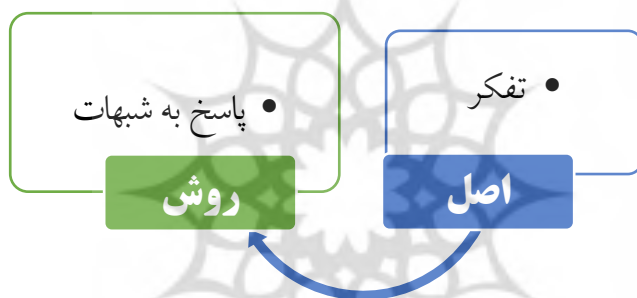
شکل ۴. ارتباط اصل به‌گزینی در معاشرت با روش دوری از هم‌نشین بد

۳-۵- پاسخ به شبهات

ملاصدرا در تفسیر سوره جمعه و توضیح دلیل عدم آرزوی مرگ کفار، تکرار اعمال شهوی، غضبی و حیوانی و غرق شدن در لذات و شهوات مادی را دلیل چنین امری می‌داند. او در ادامه به تبیین ریشه تکرار چنین اعمالی پرداخته و می‌گوید: «ریشه تمامی این اعمال و افعال تباهی در اعتقاد و شک در بقا و پایداری نفس در معاد و بازگشتش به سوی خداوند است...» (شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۶۵)؛ بنابراین باورها و عقائد انسان نقش مهمی در دستیابی به سعادت یا شقاوت داشته و در صورت بیراهه رفتن در عقاید، می‌تواند منجر به سوء عاقبت انسان

شود. ملاصدرا درباره خطر اندیشه‌ها و عقاید نادرست هشدار داده و انسان را از گرفتار شدن به شبهات و مغالطات پرهیز می‌دهد.

همچنین یکی از آثار تفکر را دوری از شبهات و مغالطات دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۶). در واقع تفکر صحیح از نگاه صدرا دو وجه دارد؛ وجه اول که روش سلبی است، ناظر بر دور شدن از عقائد نادرست و شبهات فکری است که در اینجا اشاره شده است. وجه دوم پس از ایجاد زمینه مناسب، از طریق دوری از شبهات، ناظر بر کسب عقاید صحیح از طریق برهان است که در بخش ایجابی به آن اشاره شده است. براساس آنچه گفته شد، می‌توان روش پاسخ به شبهات را یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی در جهت دستیابی به علوم حقیقی و آثار تفکر و نیز دوری از عقاید نادرست و مغالطات دانست:



شکل ۵. از تباط اصل تفکر با روش پاسخ به شبهات

۳-۶- دوری از عادات نامناسب

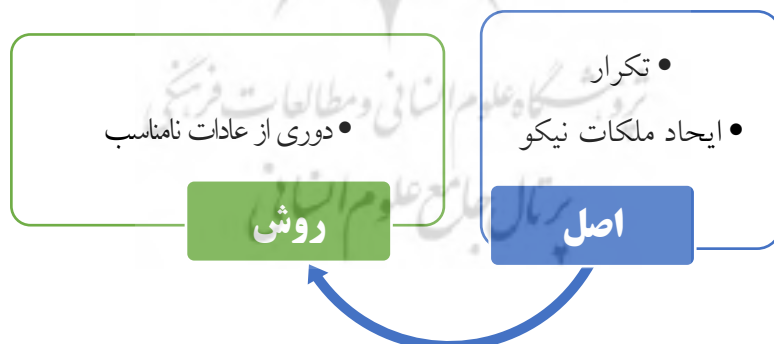
عادت از نگاه ملاصدرا اهمیت بسیاری داشته و از هردو جنبه سلبی و ایجابی بدان پرداخته است که در اینجا جنبه سلبی آن مورد نظر است. در بسیاری از موارد، ملاصدرا نگاهی منفی به عادت داشته و آن را مانع معرفی می‌کند. او معتقد است که عادات نامناسبی که انسان از زمان کودکی و نوجوانی کسب می‌کند، یکی از مهمترین موانع او محسوب می‌شود، زیرا انسان در این دوران بدون تفکر به لذات دنیایی و نفسانی خو گرفته و چنین وابستگی راه را برای دستیابی به سعادت دشوار می‌سازد؛ بنابراین، انسان برای طی کردن مراتب علمی و دستیابی به سعادت، راهی جز رهایی از عادات نامناسب ندارد. اهمیت عادت در نگاه ملاصدرا

تا جایی است که آن را یکی از عوامل روی گردانی مردم از گوش فرادادن به آیات الهی معرفی می‌کند. او معتقد است که قلب سالم، فقط از یاد و معرفت خداوند لذت می‌برد، اما اگر قلب انسان در اثر عادات ناپسند، آلوده شده و از مسیر صحیح دور افتد، از غیر خداوند لذت می‌برد.

همچنین ملاصدرا در تبیین عذاب گناهکاران در آخرت، خود فرد را عامل عذاب دانسته و به نقش عادات بد در گرفتار شدن به عذاب اشاره می‌کند. عذاب در این نگاه، برای گرفتن انتقام نبوده و امری خارج از نفس فرد نیست، بلکه فرد، خود، حامل هیزیم‌های آتش خود است و در آتش ناشی از عقاید باطل و اخلاق و عادات ناپسند خود می‌سوزد:

عقاب برای انجام گناهان به جهت انتقام خارجی فردی عصبانی از دشمنش برای فروکش کردن غیظ و غضب نیست، بلکه در واقع نفس فرد گناهکار حامل هیزیم آتش خود در روز قیامت است. این شخص درحقیقت در آتش عقاید باطل و شهوات خود و رتیل‌ها و عقرب‌های ناشی از اخلاق و عادات ناپسند خودش می‌سوزد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۴۷).

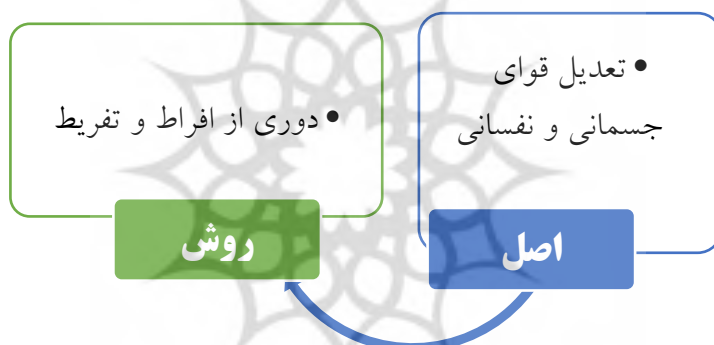
بنابراین عادات نامناسب، یکی از موانع جدید در مسیر انسان بوده و دستیابی به سعادت جز با رفع این مانع و از بین بردن عادات مناسب میسر نمی‌شود. لذا در تربیت اخلاقی که تکرار در آن به عنوان یکی از اصول، جایگاه جدی داشته و ایجاد ملکات اخلاقی نیز وابسته به آن است؛ تلاش برای دوری از عادات نامناسبی که حاصل تکرار اعمال هستند، می‌تواند نقش کلیدی در دوری از ملکات نامناسب و سپس ایجاد ملکات نیکوی اخلاقی ایفا نماید:



شکل ۶. ارتباط اصول تکرار و ایجاد ملکات نیکو با روش دوری از عادات نامناسب

۲-۳- دوری از افراط و تفریط

همان‌طور که اشاره شد، از نگاه ملاصدرا نفس دارای قوای شهوی، غضبی و علمی است. در صورتی که عقل بر این قوا حاکم شود، این قوا در حالت اعتدال قرار گرفته و فضائلی نظیر عفت، شجاعت و حکمت برای انسان حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۷۶). یکی از راه‌هایی که برای برقراری اعتدال به انسان کمک می‌کند، دوری از افراط و تفریط در شرایط و موقعیت‌های گوناگون است. ملاصدرا این امر را مورد توجه قرار داده است. او افراط و تفریط را عامل ایجاد رذائل اخلاقی دانسته و بر ضرورت دوری از آن و تلاش برای برقراری اعتدال در نفس تأکید می‌کند؛ بنابراین دوری از افراط و تفریط یکی از راه‌هایی است که به وسیله آن انسان از رذائل اخلاقی در امان مانده و ملکه عدالت و همچنین رئوس فضائل اخلاقی، یعنی عفت، شجاعت و حکمت ایجاد می‌شود. بنابراین، توجه به این روش در تربیت اخلاقی می‌تواند راهگشای تحقق اصل اعتدال و دستیابی به حسن خلق در انسان باشد:



شکل ۷. ارتباط اصل تعدیل قوای جسمانی و نفسانی با روش دوری از افراط و تفریط

۴- روش‌های ایجابی تربیت اخلاقی متعالیه: ناظر به تحلیله و آراستن

۴-۱- اطاعت از شرع

توجه به اوامر شرعی و پیروی از شرع که در بسیاری موارد نمود بیرونی داشته و در قالب اعمال شرعی نمایانگر می‌شود، یکی از راه‌های پرداختن به ظواهر است. دوری از گناهان و مراقبت نفس از آلودگی به آن نیز برای تهذیب ظواهر و تطهیر آن امری ضروری است که باید مورد توجه قرار گیرد. او طاعات را به دارو و گناهان را به سموم کشنده تشبیه کرده و می‌گوید: «طاعات مانند داروهایی نافع و گناهان مانند سمومی کشنده هستند و تأثیر این دو

بر قلب مانند تأثیر دارو و سم بر بدن هستند. بنابراین تنها کسی نجات می‌یابد که با قلب سلیم در نزد پروردگارش حاضر شود» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۰). همچنین اطاعت از شرع و مجاهدات دینی راه رسیدن به مراتب عالی و مقام مورد رضای حق بودن است. هدف از اعمال واجب و مستحب شرعی که بر انجام آنها تأکید می‌شود، تصفیه قلب و رفع موانع و حجاب‌ها در مسیر رسیدن به حق است و بنا بر آن مورد توجه و تأکید ملاصدرا هستند:

اما اعمال و افعال واجب یا مستحب به تصفیه قلب برمی‌گردند، تصفیه قلب امری عدمی است و عبارت است از رفع مانع و از بین بردن حجاب وصول به حق و حقیقت از مهر و آلودگی که در آینه قلب برحسب غبار هیئت ناشی از عالم حواس و معدن و سواس ایجاد شده است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۴).

او در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید نیز به هدف اوامر شرعی و ارتباط آن با ملکات اخلاقی اشاره می‌کند: «پس هدف از اوامر شرعی (چه انجام فعل و چه ترک فعل) نیکو کردن عادت‌ها و قوام بخشیدن به ملکات و تبدیل عادات و ملکات بد به خوب است به توفیق و تأیید الهی» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۴۷)؛ بنابراین اوامر شرع و اطاعت از آن که گاهی تحت عنوان انجام واجبات و ترک محرمات ذکر شده، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند فرد را در راستای تهذیب ظاهر و باطن یاری نموده و مقدمه دریافت حقایق و تشبه به خداوند محسوب می‌شود:



شکل ۸. ارتباط اصول تهذیب ظاهر و مراقبت از اعمال با روش اطاعت از شرع

۴-۲- عمل به مقتضای علم

ملاصدرا همواره بر علم و عمل، دو عامل مؤثر در کمال انسان، تأکید کرده و معتقد است که آنچه سبب دستیابی به سعادت، کمال و پاداش است، کسب علم و عمل به مقتضای آن است. او کمال انسان را وابسته به علم و عمل دانسته و می‌گوید: «... دلیل چنین پاداشی این است که کمال انسان منوط به علم و عمل است تا از طریق آن ذات عقلی او با معارف حقه و الاهیات آراسته شود و نفس عملی او از تعلق به شهوات موزی با به دست آوردن فضائل و دوری از رذائل نجات یابد (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۷۹).

عمل به مقتضای علم، یکی از روش‌های اصل مراقبت در مسیر کسب علم محسوب می‌شود:



شکل ۹. ارتباط اصل مراقبت در مسیر کسب علم با روش عمل به مقتضای علم

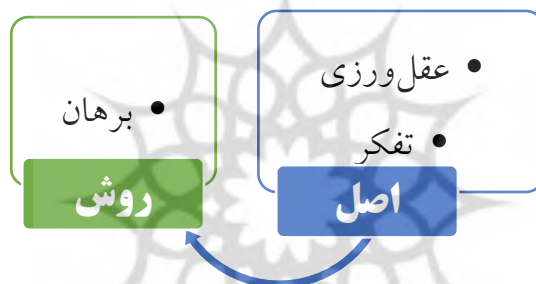
۴-۳- برهان

صدرالمتألهین ضمن تشبیه تفکر به تنفس، برای تفکر دو اثر ذکر می‌کند؛ دستیابی به حجت، برهان و یقین و رهایی از اعتقادات نادرست و شبهات:

برای تنفس دو اثر وجود دارد: ورود هوای پاک به قلب و ابقاء اعتدال و سلامت آن و خروج هوای فاسد و بد و گرم از قلب. همچنین برای فکر نیز دو اثر است: اول رسیدن نسیم حجت و روح برهان و سرمای یقین به قلب حقیقی و ابقاء ایمان و معرفت برای آن و دوم خروج هواهای فاسد و اعتقادات دردناکی که ناشی از شبهات است. این امر نیز فقط وقتی حاصل می‌شود که فرد بداند که محسوسات فانی دنیوی نهایتاً از بین می‌روند و بداند که بهترین چیزی که خدا به بنده‌اش نعمت می‌دهد، مجرد از محسوسات و نورانی کردن قلبش با معارف الهی است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۶).

صدرالمتهلین با تأکید بر اهمیت تفکر و اندیشیدن، میان دو نوع تفکر تمایز قائل شده است؛ گونه اول که تفکر صحیح و مورد تأکید است، تفکری است که با قوانین دین و حکمت و اصول هستی‌های دائمی و حقیقی چون خداوند و سخنان پیامبران و کتب آسمانی و روز قیامت هماهنگ بوده و گونه دوم که مورد نهی و نکوهش اوست، تفکر و اندیشه‌ای است که با شبهات و مغالطات آمیخته باشد و موجب پوشاندن حق گردد.

او استفاده از برهان را راهی برای رهایی از عقاید نادرست و دوری از مغالطه‌ها دانسته و بر ضرورت تمایز میان برهان و مغالطه تأکید کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت، استفاده از برهان و استدلال که از نتایج تفکر نیز می‌باشد، می‌تواند برای ایجاد اعتقادات صحیح و دستیابی به آثار تفکر اثرگذار باشد. همچنین در سطحی بالاتر، استفاده از برهان می‌تواند راهی برای تقویت عقل‌ورزی نیز محسوب شود:

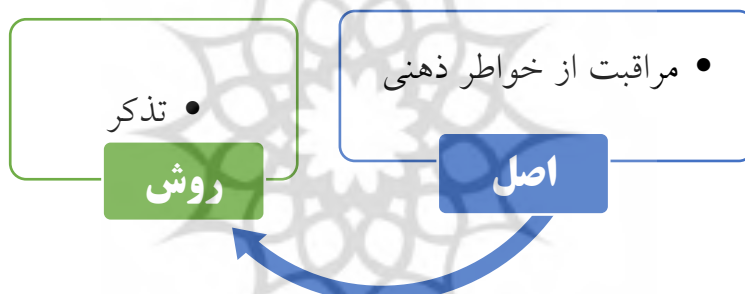


شکل ۱۰. ارتباط اصل عقل‌ورزی و تفکر با روش برهان

۴-۴- تذکر

ملاصدرا در تفسیر آیات ابتدایی سوره انفال، مؤمن حقیقی و عارف یقینی را کسی می‌داند که خدا با قلم عنایتش در قلب او ایمان حک کرده و او را با نوری از جانب خودش تأیید کرده است. چنین فردی وقتی یاد خدا می‌کند، قلبش در اثر شنیدن ذکر خدا و معرفت و حکمت به خدا و صفات و افعال او لرزان می‌شود؛ زیرا حکمت نور منبسط ایمانی است که خدا در قلب‌های‌شان چیره می‌کند و از شأن‌های نور ایمان این است که قلب را از کدورات صفات نفس و تاریکی آن صاف کند و قساوت آن را به ذکر خدا نرم کرده و شوق به خدا

در او ایجاد کند. این حال کسانی است که در مراحل اولیه سلوک هستند، اما حال کسانی که در مراتب بالا هستند، طمأنینه و سکون با ذکر است^۱ (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۲). بنابراین زیاد شنیدن قرآن و تلاوت آن را از شروط حصول ایمان در قلب قرار داده، زیرا قرآن شامل ذکر خدا و معارف الهی است. این بدان دلیل است که ایمان حقیقی نوری است واقع در قلب‌ها به میزانی که روزنه قلب از انوار تجلی خورشید صفات و حقائق افعال باز باشد. برای قلوب مشتاقی که خالی از آلودگی حب دنیا بوده و به سبب آن نور به پروردگارشان می‌نگرند، از آنجایی که ایمان سبب افزایش ایمان شده و با معرفت، معرفت به دست می‌آید، هر زمان آیات بر اینها تلاوت شود یا یاد خدا شود، روزنه قلب آنها به میزان صدق و شوق و تناسب آن گشوده شده و به نور ایمان آنها افزوده می‌شود. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۲۳) او فراموشی از یاد خدا را یکی از عوامل محرومیت فرد از لقاء الله و ماندن در سختی جهنم معرفی می‌کند؛ بنابراین یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن امکان بروز خواطر خیر را تقویت کرد، یاد خداست:



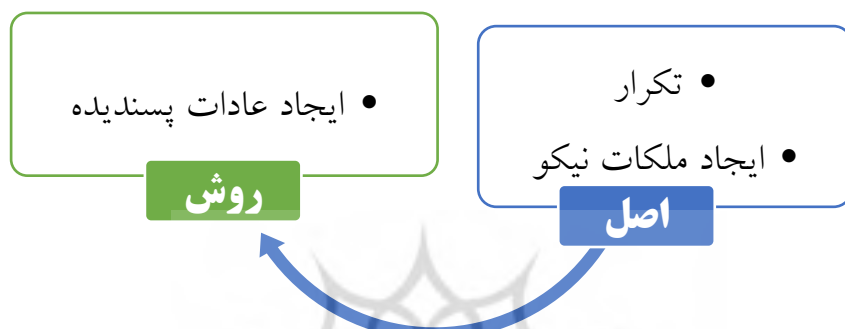
شکل ۱۱. ارتباط اصل مراقبت از خواطر ذهنی با روش تذکر

۴-۵- ایجاد عادات پسندیده

همان‌طور که در روش دوری از عادات نامناسب اشاره شد، عادت در نگاه ملاحظه‌درا در بیشتر موارد، بار معنایی منفی داشته و نسبت به از بین بردن عادات نامناسب تذکر داده شده است؛ اما در برخی موارد نیز به نقش ایجابی عادت توجه شده و عادات پسندیده راهکاری برای ایجاد ملکات نیکو معرفی شده‌اند. همچنین هدف از آداب شرعی و تکالیف الهی نیز ایجاد

۱. الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸).

عادات نیکو در انسان بیان شده است: «پس هدف از اوامر شرعی (چه انجام فعل و چه ترک فعل) نیکو کردن عادت‌ها و قوام بخشیدن به ملکات و تبدیل عادات و ملکات بد به خوب است به توفیق و تأیید الهی» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۴۷). لذا می‌توان ایجاد عادات پسندیده را راهی برای قوام بخشیدن به ملکات نیکو و نیز جایگزینی برای عادات ناپسندی دانست که پیش‌تر اشاره شد؛ عاداتی که حاصل عدم بصیرت کافی در زمان کودکی و نوجوانی است:



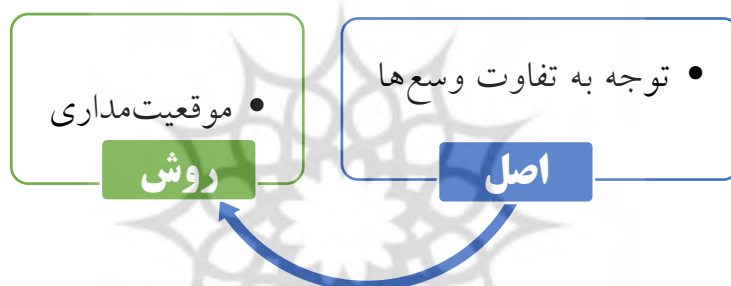
شکل ۱۲. ارتباط اصل تکرار و ایجاد ملکات نیکو با روش ایجاد عادات پسندیده

۴-۶- موقعیت‌مداری

چنانچه گفته شد، ملاصدرا قائل به تفاوت نفوس بشری بوده و بر ضرورت توجه بر این تفاوت‌ها تأکید می‌کند. او تأثیر تفاوت‌های فردی را به‌گونه دیگری نیز توضیح می‌دهد و معتقد است که گناهان و طاعات براساس ویژگی‌های فردی و موقعیت فرد، تأثیر متفاوتی بر افراد گذاشته و نمی‌توان در مورد میزان تأثیر عملی واحد در افراد مختلف، به‌راحتی قضاوت کرد. اعمال مختلف با توجه به موقعیت زمانی و ویژگی‌های فردی، اثرهای مختلفی بر افراد می‌گذارند:

گناهان از جهت تأثیری که بر تاریکی و قساوت قلب می‌گذارند، متفاوت هستند. طاعات نیز از جهت نورانی کردن قلب و تصفیه آن درجاتی دارند. این اختلاف نیز با توجه به زمان و شخص متفاوت است. چه‌بسا برای فردی قیام در شب از صدقه به ایتمام با فضیلت‌تر باشد و بالعکس. یا چه‌بسا ۶۰ روز روزه برای کفاره از آزاد کردن برده به‌دست سلاطین اهل دنیا بالاتر باشد. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص.

باتوجه به چنین تأثیری، تربیت اخلاقی، موقعیت زمانی و مکانی فرد و ویژگی‌های فردی او نیز مورد توجه قرار گرفته و براساس آن دستورالعمل‌های مناسب تجویز شود. در واقع در این روش، توجه بر زمینه موجود از جهت زمانی، مکانی و ویژگی‌ها فردی بوده و متناسب با این ویژگی‌ها مسیر حرکت او تعیین می‌شود. این روش را می‌توان در تمام مراحل تربیت اخلاقی جهت بهبود کیفیت و دور شدن از ملاک‌های ظاهری به‌ویژه در زمینه توصیه به اعمال نیکو در نظر گرفت؛ بدین معنا که نمی‌توان هر عملی را برای هر فردی در هر شرایطی توصیه کرد؛ هر چند آن عمل در ظاهر عمل حسنه‌ای بوده و آثار فراوانی برای آن ذکر شده باشد، بلکه باید باتوجه به شرایط فرد و ظرفیت وجودی او، توصیه‌ها انجام شود. در غیر این صورت، احتمال افتادن به ورطه افراط و تفریط و در نتیجه دور شدن فرد از اعتدال وجود داشته و از اهداف تربیت اخلاقی دور خواهیم شد. این روش باتوجه به تفاوت وسع‌ها در ارتباط است:



شکل ۱۳. ارتباط اصل توجه به تفاوت وسع‌ها با روش موقعیت‌مداری

اصول و روش‌های مذکور را می‌توان به‌طور خلاصه در جدول زیر نشان داد:

جدول ۱. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه

اصول تربیت اخلاقی متعالیه	روش‌های تربیت اخلاقی متعالیه
تهذیب ظاهر	اطاعت از شرع
مراقبت از اعمال	ریاضت
تهذیب نفس	زهد
دوری از حب دنیا	انفاق
مراقبت از خواطر ذهنی	تذکر

اصول تربیت اخلاقی متعالیه	روش های تربیت اخلاقی متعالیه
عقل‌ورزی	برهان
مراقبت در مسیر کسب علم	عمل به مقتضای علم
تفکر	پاسخ به شبهات
تکرار	دوری از عادات نامناسب
ایجاد ملکات نیکو	ایجاد عادات پسندیده
تعديل قوای جسمانی و نفسانی	دوری از افراط و تفریط
توجه به تفاوت و سعها	موقعیت‌مداری
به‌گزینی در معاشرت	دوری از هم‌نشین بد

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت تحول آموزش و پرورش و ابتناء آن بر مبانی اسلامی و بومی، مسئله‌ای است که از مدت‌ها پیش، مطرح بوده و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. حکمت متعالیه به عنوان فلسفه‌ای که کوشیده است تا امتزاجی میان شرع، عقل و عرفان برقرار کند، دارای ظرفیت‌های مناسبی برای آموزش و پرورش است. پژوهش حاضر به بررسی تفاسیر ملاصدرا با نگاهی تربیتی پرداخته و کوشیده است تا تربیت اخلاقی را واکاوی کرده و اصول و روش‌های آن را تبیین نماید. این اصول و روش‌ها در دو دسته کلی سلبی و ایجابی ناظر به تخلیه و تحلیه تشریح شده است. در بخش سلبی پنج اصل و هفت روش استخراج شده است و در بخش ایجابی نیز هشت اصل و شش روش حاصل شده است.

اصول بخش سلبی عبارتند از: تهذیب ظاهر، مراقبت از اعمال، تهذیب نفس، دوری از حبّ دنیا و مراقبت از خواطر ذهنی. اصول بخش ایجابی نیز عبارتند از: عقل‌ورزی، تفکر، مراقبت در مسیر کسب علم، تکرار، ایجاد ملکات نیکو، تعديل قوای جسمانی و نفسانی، توجه به تفاوت و سعها و به‌گزینی در معاشرت.

روش‌های سلبی عبارتند از: ریاضت، زهد، انفاق، دوری از هم‌نشین بد، پاسخ به شبهات، دوری از عادات نامناسب، دوری از افراط و تفریط. روش‌های ایجابی نیز عبارتند از: اطاعت از شرع، عمل به مقتضای علم، برهان، تذکر، ایجاد عادات پسندیده و موقعیت‌مداری.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان گفت تا تربیت عبادی در فرد محقق نشود، امکان تحقق تربیت اخلاقی نیز فراهم نمی‌شود. همچنین ارتباط میان تربیت عقلانی و اخلاقی نیز قابل توجه است. اساساً اخلاق در این نگاه در ذیل عقل عملی که یکی از مراتب عقلی انسان است، مطرح می‌شود. تحقق اخلاق حسنه نیز با حاکمیت عقل بر سایر قوا امکان‌پذیر است. بنابراین، تربیت اخلاقی و عقلانی با یکدیگر گره خورده و می‌توان از ارتباط نزدیکی میان تعقل و تزکیه سخن گفت.

علاوه بر آن، یکی از وجوه تمایز جدی دیدگاه مذکور، توجه به جایگاه خواطر ذهنی و ارتباط آن با وقوع افعال و ضرورت توجه به الهام و وسوسه در خواطر خیر و شر، است. توجه به این اصل، تنها با داشتن معیاری قرآنی و وحیانی امکان‌پذیر است که از محسوسات مادی فراتر رفته و مبدأ افعال را در خواطر ذهنی خیر و شر نیز جستجو می‌نماید. توجه به خواطر، مراقبت از آن و تلاش برای دوری از یادآوری‌ها و اندیشه‌های آغازکننده شر، می‌تواند در گام بعدی از بروز افعال قبیح جلوگیری کرده و در مقابل، امکان انجام افعال نیکو را تقویت نماید. تکرار این چرخه، احتمال ایجاد ملکات نیکو را افزایش داده و با توجه به جایگاهی که ملکات در تعیین موقعیت اخروی انسان دارند، در نهایت، امکان دستیابی به شاکله وجودی و هویت مطلوب را در فرد افزایش می‌دهند.

باتوجه به اصول و روش‌های استخراج شده نیز می‌توان گفت که در تربیت اخلاقی متعالیه، اهمیت تهذیب و طهارت نفس بسیار بالا بوده و لذا بخش قابل توجهی از اصول و روش‌ها ناظر بر تحقق طهارت نفس و تخلیه است. براین اساس در تربیت اخلاقی و در مرحله اول، به جای آنکه تأکید بر آموزش‌های مستقیم مفاهیم اخلاقی باشد، باید تمرکز بر آماده‌سازی مخاطب از طریق تخلیه باطن و رعایت اصول و روش‌های مرتبط با آن باشد. پس از ایجاد آمادگی مذکور، به تدریج و با رعایت تفاوت‌های فردی، می‌توان اصول و روش‌های ایجابی را مورد نظر قرار داد و مفاهیم و مسائل اخلاقی را آموزش داد.

منابع

افکاری، فرشته (۱۳۹۳). «نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی بخوانیم، بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمان، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه

- درسی». پایان‌نامه دکتری. گروه برنامه‌ریزی درسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- آهنگری، فرشته (۱۳۸۶). "پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران و جهان". *اخلاق در علوم و فناوری*. (۲) ۳ و ۴، ۱۱-۲۲.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۱). «آیین خردپروری (پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی(ع))». تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). «تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۳). "مختصات حرکت جوهری انسان در حکمت متعالیه و کاربردهای آن در شناسایی اصول حاکم بر تحول آموزش و پرورش". *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*. (۱۰) ۳۱، ۸۲-۱۰۷.
- بیرانوند، فضل‌الله (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه نظری از نظر توجه به رویکردهای تربیت اخلاقی». پایان‌نامه ارشد. گروه برنامه‌ریزی درسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- پورموسوی، جعفر (۱۳۹۴). «تبیین تربیت اخلاقی عقل‌محور در اسلام و بررسی کتب دین و زندگی دوره متوسطه براساس آن». پایان‌نامه ارشد. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). "تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی". *فصلنامه علوم اجتماعی*. (۶۴) ۱۳۸-۱۰۵.
- حسینی، محمد و فاطمه وجدانی (۱۳۹۵). "بررسی و نقد الگوی تربیت اخلاقی در کتاب‌های آموزش قرآن دوره ابتدایی". *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. (۳۲) ۲۴، ۱۳۷-۱۶۱.
- حسینی، محمد و فاطمه وجدانی (۱۳۹۶). "تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی". *تربیت اسلامی*. (۲۵) ۱۲، ۲۹-۵۴.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۴). *تجارب تربیت اخلاقی کارگزاران نظام تربیت رسمی و عمومی در دوره ابتدایی (دبستان)*. نوآوری‌های آموزشی. (۵۶) ۱۴، ۷-۳۷.
- حسینی، محمد (۱۳۹۵). "بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی ابتدایی". *تربیت اسلامی*. ۲۲، ۱-۲۸.
- درامامی، نرگس (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب‌های بخوانیم، تعلیمات اجتماعی (مدنی)، هدیه‌های آسمانی و قرآن پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی سال ۱۳۸۸ به منظور بررسی برخی مؤلفه‌های

تبیین چگونگی تربیت اخلاقی.../ سارا طوسی‌ان خلیل آباد و دیگران ۳۵

تربیت اخلاقی». پایان‌نامه ارشد. گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.

دهقان سیمکانی، رحیم (۱۳۹۱). «موانع اخلاق‌ورزی از دیدگاه ملاصدرا». پژوهش‌نامه اخلاق. (۱۸)، ۱۴۴-۱۲۵.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران».

شیرازی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۶۶). «تفسیر القرآن الکریم». ج ۱ تا ۶. قم: بیدار.

شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۳). «ترجمه و متن تفسیر سوره جمعه». ترجمه محمد خواجه‌جوی. تهران: مولی.

شیرازی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۹۶). «ترجمه تفسیر سوره یس». ترجمه سید صدرالدین طاهری. چاپ اول. تهران: بنیاد حکمت صدرا.

طوسی، خلیل‌الرحمان (۱۳۹۲). «درآمدی بر اخلاق فلسفی در حکمت متعالیه». چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). «نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیاژه و کولبرگ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان». نوآوری‌های آموزشی. ۱۱، ۷۶-۱۰۴.

مؤمنی‌راد، اکبر و خدیجه علی‌آبادی و هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج». فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی. (۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی